

# آلبانی - مشعل فروزان سوسیالیسم

۸۱  
دوره سوم



پهروزی انقلاب نوامبر ۱۹۴۴ خلق آلبانی را از ستم ملی و طبقاتی آزاد کرد، دنیای کهنه را که در آن خلق آلبانی از هیچ حقوق برخوردار نبود برانداخت و دنیای نوری پدید آورد که خلق برای نخستین بار سرنوشت خود را در دست گرفت . دولت توده ای آلبانی ، این مظهر قدرت خلق ، وظائف سنگینی برعهده داشت ، او میبایست سیمای جامعه عقب مانده آلبانی را از پیچ و بن تغییر دهد و بجای آن جامعه ای سوسیالیستی بنشاند ، سوسیالیسم را در زمینه های اقتصاد و فرهنگ پیروز گرداند و بیشتر از آن اینکه نهاد انسان جامعه سوسیالیستی را بر اساس جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم در گرن سازد ، ایدئولوژی و اخلاق پرورتری را حاکم گرداند .

این وظائف خطیر و دشوار تنها در توانایی دولت طبقه کارگر است که با میدان دادن به نیرو و ابتکار لایزال توده های زحمتکش میتواند آنها را برای انجام چنین وظائفی بسیج و گام نگام رهبری کند . خلق آلبانی تحت رهبری طبقه کارگر علی رغم مشکلات توان فرسای علی رغم نیروهای اهریمنی که کوشیدند و در راه بدر بردن این وظائف را با سربلندی و افتخار به انجام رسانید ، الهام بخش و سازمان دهنده پیروپه ای خلق ، حزب کار آلبانی بود . همتی که رفیق انور خوجه پیشوای داهی و خردمند و رهبر بزرگ پرولتاریای جهان در رأس آن قرار داشت .

طی سی سال گذشته در آلبانی تغییرات عظیمی صورت گرفته است . کشور آلبانی در تمام زمینه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به کامیابی های درخشانی نائل آمده است ، دنیای کهنه جای خود را بدنیای نوینی داده است ، دنیای شکران شکوهند فارغ از استعمار و هرگونه ستم طبقاتی . کافی است بدست آورد های عظیم خلق آلبانی طی سی سال گذشته نکست برای آنکه به نقش طبقه کارگر در ایجاد جامعه نوین سوسیالیستی و برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری پی ببرد .

امروز آلبانی دارای صنایع رشد یافته و مدرن ، دارای کشاورزی اشتراکی مکانیزه ، دارای آموزش و فرهنگ سوسیالیستی است . روزنامه نویسی های شوروی پس از آنکه خائنانه و به ملت موضع گیری اصولی حزب کار آلبانی کمکهای خود را به خلق آلبانی قطع کردند مدعی شدند که خلق آلبانی گویا بدون کمک آنها قادر نیست بر پای خود بایستد . پیشرفتهای بزرگ صنعت و کشاورزی که طی نقشه های پنجساله صورت گرفته پوچی ادعاهای روزنامه نویسی ها را نشان میدهد . نمونه آلبانی میتواند برای تمام خلق های انقلابی سریشی باشد که با تکیه بر نیروی خود در زمین حفظ مواضع اصولی ، میتوان جامعه ای مترقی و شکوفان بنا کرد . زحمتکشان آلبانی در مبارزه با دشواری ها و موانع گوناگون و با توسل به ابتکارات و مسابقات سوسیالیستی ، ساختمان سوسیالیسم را در تمام زمینه های تولید و حمل و نقل ، ساختمان ، آموزش و فرهنگ همچنان به پیش برانده اند و به پیش میرانند . زحمتکشان آلبانی تمام نقشه های پنجساله را با موفقیت و پیش از موعد مقرر و بیش از وظائفی که در نقشه آمده به انجام رسانده اند و میرسانند .

نابودی استعمار ، کامیابیهای بزرگ در توسعه اقتصاد و فرهنگ سوسیالیستی ، رفاه مادی و سطح فرهنگی توده های زحمتکش را بطور بیسابقه ای افزایش داده است . تورم و گرانی ، که در کشورهای سرمایه داری آفت زندگی طبقه کارگر و توده های زحمتکش است ، در کشور سوسیالیستی آلبانی ناشناخته است . دستمزدها همواره بالا میرود و در عین حال قیمت ها پیوسته پائین میآید . در آلبانی از ۱۹۵۰ با نطفه ۱۴ بار قیمت ها تنزل کرده است ، در کشور آلبانی پدیده ای بنام بیگاری که هم زندگی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و پیشرفتهای جوانان را در دریای امپریالیسم تهدید میکند ، شناخته نیست . در کشور آلبانی چیزی بنام بحران انرژی وجود ندارد ، تولید نفت ، گاز ، و قند و شکر و دیگر همچنان افزایش مییابد . امروز برق به تمام روستاهای آلبانی روشنایی می بخشد آلبانی حتی برق به کشورهای دیگر صادر میکند .

در آلبانی همه وسائل تولید در مالکیت خلق است و ثمرات کار و کوشش زحمتکشان عاید خود آنها میگردد ، تمام تصمیمات درباره برنامه توسعه اقتصادی با شرکت توده های زحمتکش اتخاذ میشود و با دست خود آنها مرحله اجرا در میآید ، شور و شوق خلسه ای آلبانی در تحقق نقشه های پنجساله از همین امر سرچشمه میگردد .

در آلبانی مدتهاست بیسوادی از جامعه رخت برشته است ، آموزش ابتدائی هشت ساله اجباری است نه تنها در شهرها بلکه در روستاها . در آلبانی از هر هزار نفر در حدود ۱۲۰ نفر در دانشگاه و مدارس عالی به تحصیل مشغول اند و از این لحاظ آلبانی سوسیالیستی بر کشورهای پیشرفته ای مانند انگلستان ، آلمان ، ایتالیا و ... سبقت گرفته است . بقیه در صفحه ۲

## امپریالیسم مانع اساسی توسعه اقتصادی

مسئله مواد خام توسعه اقتصادی که بخاطر مطالعه در باره آن مجمع عمومی فوق العاده سازمان ملل متحد دعوت گردیده در واقع مسئله اساسی مناسبات کشورهای امپریالیستی با کشورهای تحت سطره امپریالیسم سوسیالیسم امپریالیسم است ، مسئله ای است که استقلال حاکمیت ملی ، با حمایت از ثروت های طبیعی ، با مبارزه علیه غارت و استعمار ، با توسعه اقتصادی و بالاخره با سلطه و اقتدار امپریالیسم در این کشورها رابطه مستقیم دارد . امپریالیسم با در دست داشتن انحصار تولیدات صنعتی ، بهر بازار جهانی تسلط دارد و بدخواه و بنا بر مافوق خود قیمت های بازار را تعیین میکند از بهای مواد خام میگردد و بر بهای محصولات صنعتی میفزاید ، حتی در حال حاضر با آنکه کمپانی نفت به چند برابر ترقی کرده ، باز هم این ترقی بها کمتر از افزایش قیمت محصولات صنعتی و حتی مواد خامی مانند گندم است که از کشورهای صنعتی بیاخر صادر میشود . بنا بر ارقام رسمی بهای نفت در دوران بعد از جنگ از ۲/۱۷ برای هر بشکه تا ۱/۳۰ دلار تنزل کرد و طی سالهای ۶۰ در همین سطح باقی ماند در حالی که ظرف همین سالها قیمت دهه ای از کالاها اساسی ۳۵۰ درصد بالا رفته است .

امپریالیسم با برقراری میانگین نابرابری با کشورهای دنیای سوم ، مواد خام و مواد اولیه لازم برای صنایع خود را به بهای ارزان میخرد و محصولات صنعتی خود را با قیمت گران میفروشد و از این راه هستی و نیستی این کشورها را غارت میکند و بسا این غارت کشورهای دنیای سوم را همچنان در فقر و عقب ماندگی نگاه میدارد و روز بروز بر فاصله میان این کشورها و کشورهای صنعتی میفزاید .

بدین ترتیب آن عامل اساسی که جلوی رشد اقتصادی کشورهای دنیای سوم را میگردد و آنها را همواره در وضع عقب ماندگی نگاه میدارد امپریالیسم است . امپریالیسم سرچشمه فقر و عقب ماندگی دنیای سوم است . برای تامین توسعه اقتصادی و بیرون آمدن از فقر و عقب ماندگی تنها یک راه در برابر این کشورها وجود دارد : آزادی کامل از یوغ امپریالیسم پایمان بخشیدن به غارت و استعمار امپریالیسم ، انتخاب سیاستی مستقل و ملی مبتنی بر مافوق توده های خلق در گریه زمینه های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، تکیه بر نیروی خود و تدوین برنامه های صحیح و در انطباق با قوانین اقتصادی برای توسعه اقتصادی و بالاخره به وجود شرایط زندگی و تامین رفاه اجتماعی توده های زحمتکش .

چنین است مسائل اساسی که در ارتباط با مواد خام و رشد اقتصادی مطرح میشود .

شرکت دولت ایران در این جلسه فوق العاده سازمان ملل متحد منظور بزرگ و توجه به این مسائل اساسی نیست ، بخاطر آنست که از ترس جمع عمومی ، نطق های تبلیغاتی در " بنوع آریا مهر " و " احساسات بشر دوستانه " وی سردهند شادمانی تبلیغاتی فریاد خود را بخاطر فریب انگار همی جهان هر روز توسعه بیشتری می بخشد ، چنانکه در کانگاتوری و زیرگوشی خود را نیز میکشد از مرزهای کشورها بیرون میآورد و گسترش میدهد .

شاه می پندارد که با دروغ و تزویر و گندگوشی میتوان واقعیت را در گرن سازد ، یک کشور عقب مانده ، فقیر و زیر سطره امپریالیسم را کشور توسعه یافته و مرفه و مستقل جلوه داد که گویا بزودی کشورهای کشورها رشد یافته بقیه در صفحه ۲

## راه توسعه اقتصادی

که باید بطور عمده بر نیرو و ابتکار خلق کشور تکیه کرد . بخش های حیاتی اقتصاد خود را در دست گرفت ، منابع طبیعی را بطور کامل به معرض ظهور گذاشت ، کوشید تولید خلاق را افزایش داد و اقتصاد ملی را بر طبق نقشه و مرحله به مرحله تکامل بخشید . هنگامیکه اصول استقلال ، خودمختاری و اقتصاد بنفس صورت عملی پذیرد ، نباید به هیچ روی از واقعیات کشور دور شد ، بلکه در انطباق با شرایط مشخص باقی ماند و حالت خاص خود را تمیز داد و راهی را که امکان میدهد بر نیروی خویش تکیه کرد تعیین نمود . در مرحله کونی کشورهای در حال توسعه برای رونق بخشیدن به اقتصاد ملی باید نخست بسبب منابع طبیعی خود حاکم گردند و بتدریج خود را از کنترل سرما خارجی آزاد سازند .

در اقتصاد ملی بسیاری از کشورهای در حال رشد تولید مواد اولیه دارای سهم نسبتاً مهمی است . اگر این کشورها تولید ، استفاده ، فروش ، ذخیره کردن و حمل و نقل مواد اولیه خود را در دست بگیرند و آنها را در چارچوب روابط تجاری مبتنی بر برابری به قیمت عادلانه بفروشند تا در عرض بیشترین محصولات لازم برای توسعه صنعت و کشاورزی خود تحصیل کنند آنگاه امکان خواهند یافت کم کم بر مشکلاتی که بر سر راه آنها است نظیر بکشند و زمینه را برای پایان بخشیدن هر چه زودتر به فقر و عقب ماندگی هموار سازند .

از نطق رئیس هیئت نمایندگان جمهوری خودمختار آلبانی در دوره اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مقدمه ما برای کشورهای دنیای سوم اگر میخواهند اقتصاد خود را توسعه دهند در درجه اول این امر اهمیت دارد که استقلال سیاسی خود را حفظ کنند . با غلبه استقلال ملی ، خلق یک کشور فقط نخستین گام را برداشته است و باید آنها را حاکم کند ، زیرا در داخل کشورهای نیروهای باقیمانده استعمار هنوز وجود دارند ، و علاوه بر خطر خرابکاری و تجاوز از جانب امپریالیسم و همزیست موجود است .

تحکیم استقلال سیاسی ایجاد میکند که مبارزه بطور مداوم جریان یابد . در آخرین تحلیل استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی از یکدیگر تفکیک ناپذیرند . بدون استقلال سیاسی از استقلال اقتصادی سخنی هم نمیتواند بیان آید و بدون استقلال اقتصادی ، استقلال یک کشور تکامل است و نه استوار .

ما کشورهای در حال رشد ، ذخایر فراوانی در اختیار داریم که امکان میدهد اقتصاد خود را با استقلال کامل رشد دهیم . اگر ما بدون تزلزل در راه استقلال ، خودمختاری و اعتماد به نیروی خود پیش روییم و خصوصیات و شرایط خاص خود را بحساب آوریم ، کاملاً قادر خواهیم بود در کار مدرنیزه کردن صنعت و کشاورزی بتدریج به آنچنان سطح بالایی از تولید برسیم که متقدمین هرگز بدان نرسیده بودند . مطالبی که امپریالیسم با سونیت در باره رشد کشورهای ما رواج داده است و هدف آنها به تسلیم واداشتن ما در برابر بدبینی و یاس و احساس ناتوانی است ، هیچ پایه و اساسی ندارند . مظهر ما از اینکه باید بر روی خویش حساب کرد اینست

یاری رسان ، نیرو و بده توفان را

# نفاق و تفرقه را به اتحاد و زمینده علیه دشمنان خلق بدل کنیم

# اسلحه فروش

کدام است کسری که از ۱۹۵ تا ۱۹۷۲ مبلغ ۲۸/۵ -  
میلیارد دلار اسلحه فروخته است؟  
آمریکا؟

ولی اسلحه فروش دیگری نیز وجود دارد که با آمریکا  
برقابت برخاسته است: سوئیس امپریالیم شوروی.

برای اینکه دید شود که سوئیس امپریالیم شوروی  
در سود آوری اسلحه با چه شتابی به پیش می تازد باید به واقف  
زیرین توجه کرد:

در پایان سال های ۵۰، شوروی ۱۱/۳ درصد از  
فروش جهانی اسلحه را داشت و ۶ کشور از کشورهای درحال  
رشد از مشتریان او بودند.

در ۱۹۷۰، ۳۷/۵ درصد از فروش جهانی اسلحه  
به شوروی تعلق داشت و بیش از ۲۰ کشور در حال توسعه از  
مشتریان او بودند.

از دو ۳ سلاحی که در جهان فروخته میشود ۱ سلاح  
از متشا شوروی است.

شوروی اسلحه خود را بقیعت گران بر مشتریان تحویل  
میکند و درست در محسوسه جنگ خاورمیانه، بهای اسلحه  
فروشی خود را به مصر ترقی داد.

سوئیس امپریالیم شوروی از این راه، هم کشورهای  
در حال رشد را غارت میکند و هم سیاست خارجی آنها  
را تحت نظارت خویش بگیرد و جنگ و صلح آنها را  
تنظیم میکند!

فراوانی که دولت برای سرمایه های خارجی فراهم می آورد، از  
کشور بیرون می رود و از آنها برای سرمایه گذاری مجدد در کشور  
استفاده نمیشود و "توسعه اقتصادی" با زاید جلب سرمایه  
های نوری ادامه یابد.

پایه دیگر "توسعه اقتصادی" ایران صادرات کالاها و  
صنعتی است. شاه روزی در یکی از هیاتهای خوب سرمایه  
گذاران آمده بود که ایران برای منطقه ای از آسیا که قریب  
یک میلیارد سکه دارد محصولات صنعتی تهیه خواهد کرد!  
البته همه این گزاره گویی او را با ریشخند تلقی کردند.  
آنگون از آن زمان سالها میگذرد و واقعیت، هرچی با سرمایه  
شاه را نشان میدهد، محصولات صنعتی "ساخت ایران"  
آنچنان گران و نامرغوب است که حتی در داخل کشور نیز قیمت  
خرید ارانی پیدا میکند، آنها هم تشبیهات دولت که در بعضی  
حالات تا سرحد اجبار پیش می رود، با چنین وضعی صادرات  
کالاها و صنعتی در "توسعه اقتصادی" نقشی نمیتواند داشته  
باشد. سال گذشته بنا بر ارقام رسمی که حلقه بد آن نمیتوان  
باید داشت، مجموع صادرات کشور اندکی بیش از ۲۰۰ میلیون  
دلار است که ۷۰ درصد آنرا کالاها و سنتی ( مواد خام  
کشاورزی و معدنی ) تشکیل میدهد در حالی که طی سال  
جاری باز هم بنا بر ارقام مطبوعات امپریالیم پنج میلیارد دلار  
در ایران سرمایه گذاری خواهد کرد. تفاوت در رقم کالا به چشم  
میخورد.

تنها نفت است که مقادیر هنگفتی ارز عاید دولت ایران  
میکردند. اما شاه ایران که این ارز را با یک دست میگردید  
دست دیگر در ازا "خرید مبالغ هنگفتی اسلحه، در ازا وارد  
محصولات مختلف که گاه گاه هفت برابر صادرات است؛ برای  
ساختن تاسیسات زیربنایی که آنها بخاطر جلب سرمایه خارجی  
است؛ برای خدمات و برای ساختن پایگاههای زمینسی،  
درائی و هوایی تحویل امپریالیم میدهد و بخشی از  
آنها هم نصیب مافوقان و کلانان داخلی میشود.

روشن است با چنین سیاستی از "توسعه اقتصادی" سخنی  
هم نمیتواند بهمان آید. اطلاعات در شماره ۲۰، ۲۵  
میخوانید: " شاهنشاه نماینده دنیای در حال رشد هستند؛  
واقعا پیشرو هم حدی دارد! تا زمانی که شاه این نوکس  
پست امپریالیم بر مسند قدرت نشسته است تا زمانی که کشور  
ما جز نگاه امپریالیم و سوئیس امپریالیم است همین ما در  
راه پیشرفت و رفاه گامی بر نخواهد داشت.

## ایدئولوژی و فرهنگ

آلبانیسی - مشعل فروزان سوسیالیسم بقیه از صفحه ۱  
پرولتاریاتی روز بروز به سطح بالاتری ارتقا مییابد.  
برای پیروزی کامل سوسیالیسم و جلوگیری از بازگشت سرمایه داری نه تنها باید قدرت سیاسی را بدست آورد و آنرا استحکام  
بخشید، نه تنها باید اقتصاد سوسیالیستی را پیروز گردانید، نیروهای دفاعی میهن سوسیالیستی را تقویت کرد، بلکه باید بقایای  
ایدئولوژی جامعه کهن و محلهای مادی آنرا نابود ساخت. منزه ساختن شعور زحمتکش از آلودگیهای جامعه کهنه که هنوز آنها  
را در چنگال خود می فشرد، پیرو زحمتکش با روحیه مارکسیستی - لنینیستی، با باور این اخلاقی کهنیستی و خصائل انقلابی شرط  
لازم برای ساختن کامل سوسیالیسم و جز "لایفک بنای جامعه سوسیالیستی است. این یک مبارزه طبقاتی بفرنج، دشوار و طولانی  
است زیرا در همین زمینه است که مقاومت دنیای کهنه سرسختی و استواری نشان میدهد.

در آلبانی این مبارزه تحت رهبری حزب و با شرکت توده های وسیع خلق آغاز گردید. این جنبش انقلابی تمام زمینهای  
ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سازمانی را در بر گرفت، تمام افکار، عادات و سنت ها، شیوه زندگی و برخورد به افراد  
جامعه و برخورد به کار و زحمت زبر رو کرد و در نتیجه به تمهید انقلاب سوسیالیستی یاری رسانید، ابتکار انقلابی را در زمینه کار  
و تولید افزایش داد، وحدت همه خلق و وحدت حزب و خلق را مستحکمتر ساخت. این جنبش انقلابی تا ریشه کن کردن ایده ها و  
عادات و سنت های دنیای کهنه ادامه خواهد یافت.

کشور آلبانی بعزت دفاع از مواضع اصولی در صحنه بین المللی، بعزت مبارزه پیکر و سرسخت با امپریالیم و در راجحان امپریا -  
لیسم آمریکا، بعزت مبارزه پیکر و سرسخت با سوئیس امپریالیم شوروی، بعزت دفاع و پشتیبانی از آزادی و استقلال خلق ها و کک -  
های بی شائبه و برادرانه به خلق های انقلابی، بعزت نبرد پر افتخار حزب کار آلبانی علیه ریزش و نیس و دفاع درخشان از مارکسیسم  
لنینیسم، در صحنه جهانی از حیثیت و اعتبار فراوان برخوردار است و سنی و علاقه خلقهای جهان را بخود جلب کرده است.  
رفیق انور خوجه در جلسه شانگه بیستین سالگرد آزادی آلبانی سخنرانی ایراد کرد و آنرا با عبارت زیر پایان بخشید:  
" با چنین خلق انقلابی، تحت رهبری حزب کار، آلبانی جدید نه فقط طی ۲۰ سال گذشته زیسته، زرمیده و پیروز شده است  
بلکه قهرنبا خواهد زیست، خواهد زرمید، خواهد شکوفید و پیروز خواهد گشت."  
خلق آلبانی طی سی سال گذشته قهرمانانه زرمیده و پیروز شده است و به یقین در آینده نیز با مبارزه قهرمانانه خود به پیروزی  
های تازه و تازه تری نائل خواهد آمد.

دولتی که واقعا هوادار توسعه اقتصادی است باید  
قبل از هر چیز بر نیروی خود، بر نیروی لایزال خلق تکیه زند،  
البته منظور آن نیست که نمیتوان از خارج کمک گرفت و کک از  
خارج مفید و گاهی لازم است ولی این کک در کار توسعه  
اقتصادی جنبه فرعی و گذرا دارد. سیاست تکیه بر نیروی خود  
پایه و اساس توسعه اقتصادی است. شاه ایران در دست  
بخلاف آن عمل میکند. او عواطف نفت را که اصلا به هیچ  
میلیارد دلار بالغ میگردد و برده میدهد، آنگاه برای توسعه  
اقتصادی دست نیاز بسوی امپریالیم ها دراز میکند، از آنها  
قرضه میگیرد یا آنها را دعوت به سرمایه گذاری در ایران مینماید  
سرمایه خارجی که به کشور ما وارد میشود فقط درسی  
سود حد اکثر است و در شعبه ای از تولید ( صنایع کشاورزی )  
بکار می افتد که سود های کلانی برای صاحبان آن بهار آورد،  
بعلاوه طوری عمل میکند که به وضع انحصاری و مرفرانروائی او  
در بازار جهانی لطمه وارد نیاید. اگر سرمایه جز این راه  
در پیش گیرد، سرمایه نیست.

در نتیجه اقتصاد کشور ما در آن جهتی سیر میکند که  
برای سرمایه گذاران سود آور باشد و نه در آن جهتی که مورد  
نیاز میهن ما است از اینرو اقتصاد ایران اقتصادی است  
ناسالم، یکجانبه، ناموزن، چنانکه سرمایه های خارجی در  
ایران بکار "کشور قورباغه" و تولید مارجویه می پردازند و سود  
میکند در حالی که این دو محصول در نزد توده های مردم ما  
طیفا شناخته نیستند در کشور ما انواع اتومبیل توسط کپالتی  
های بزرگ جهان مونتاژ میشود و ولی گوشه گندم مهند و شکر،  
شیر و ماست و حتی میوه از دسترس مردم ما بیرون است؛ در  
کشور ایران پالايشگاه های متعدد بیش از حد نیاز وجود دارد  
و در نظر است بکک سرمایه های خارجی طی سالهای آینده  
چهار پالايشگاه ۲۵ میلیون تنی ایجاد گردد و در حالی که  
مردم فقیر ما از نفت و گاز محروم اند یا قدرت خرید آنرا ندارند  
و در زمستان از سرما تلف میشوند.

چنین "توسعه اقتصادی" که با احتیاجات جامعه ما و  
مردم ما نمیخواند، چنین صنایعی که بر اساس مونتاژ و پسا  
مواد نپخته پدید آری شده است بهیچوجه ما را از واردات  
و مبادلات ناهم بری نیاز نمیکند. اگر در گذشته واردات ما  
را فقط محصولات صرفی تشکیل میداد، اکنون در کار محسوس  
صرفی کالاها و واسطه وارد کشور ما میشود، کالاها و کچرخ  
" صنایع" را میگردانند و بدون آنها " صنایع ایران" از تولید  
باز میمانند. بدین ترتیب شهرکهای زندگی جامعه ما  
( که نفت مهمترین آنها است ) در دست امپریالیم ها باقی  
است. این سیاست اقتصادی از وابستگی ایران به امپریالیم  
نفتتبار سرورنی نگاشته بلکه بدان شدت بخشیده است.  
همه سود های حاصل از این سرمایه ها بعزت تسهیلا

امپریالیم مانع ... بقیه از صفحه ۱ اروپا را پشت سر خواهد  
گذاشت و یکی از پنج قدرت بزرگ جهان خواهد شد. این  
سخنان به هدیان بیمار در حال مرگ میمانند و دیوانگان سخن  
از این عاقلانه تر میکنند.

شاه دربار، رشد توسعه اقتصادی پیروگویی میکند در  
حالی که هر روز پای امپریالیم ها را بیشتر به کشور ما پسا  
میکند، ثروت های طبیعی میهن ما را بیشتر بتاراج امپریالیم  
و سوئیس امپریالیم میدهد؛ بجای بیرون کشیدن نفت از  
چنگال کسوسیم غارتگر آنرا باز هم برای مدت بیست سال در  
اختیار این شرکت بین المللی میگذارد و بجای اتخاذ سیاست  
اقتصادی واقعا ملی و مستقل، اقتصاد کشور ما را به میدان  
ناخت و تاز سرمایه ها و کالاها ی خارجی بدل کرده است؛  
سه میلیارد دلار از دارائی مردم ما را به بانک جهانی می سپارد  
تا در موازنه پرداخت های کشورهای امپریالیم گشایشی  
پیدا یابد. اما خود برای "توسعه اقتصادی" از همین بانک  
جهانی و مؤسسات نظیر آن همساله صالحی با روح های  
سنگین بقرضه میگیرد.

برای شاه چیزی که مطرح نیست آزادی از یوغ امپریالیم  
و پایان بخشیدن به غارت و استثمار است، برعکس او بند های  
اسارت را بردست و پای میهن ما هر روز محکمتر میسازد. در  
چنین شرایطی صحبت از توسعه اقتصادی چیزی جز دروغ و  
فریب نیست واقعیت کشور ما سست زنده، این حقیقت است که  
حق مطالبات کشور نیز نمیتواند آنرا بپوشاند. تهر ان  
اکنونیست ( شماره ۱۳۰، مورخ ۲۴ فروردین ۵۳ ) در مقاله  
خود بهمین تکه اشاره میکند: "... اگر هزینه های را که  
ملتی نظیر ملت ایران برای صنعتی شدن تحمل شده است با  
نتیجه ای که از آن برده است مقایسه کنیم خواهیم دید که باز هم  
در این نهضت کشورهای صنعتی متفجع شده اند زیرا ما این -  
آلات فرسوده یا ببرد نخور خود را با قیمت های گرانی پسا  
فریخته اند و احياناً طوری پایه آنرا رهبری کرده اند که منافع  
آن برای ما اندک یا صفر بوده است." ( تکیه زامات - توفان).

چنین است اعتراف پرشکستی "توسعه اقتصادی" و  
پس از سالها باور سرمایه های شاه و تبلیغات پرمروصه ای رژیم  
جز این هم انتظار نمیبرد.

سیاست شاه در زمینه "توسعه اقتصادی" بر دو پایه  
توسل به سرمایه خارجی و تولید بنظر صدور بخارج استوار  
است. این سیاست که سالها است ادامه دارد نه تنها نمیتواند  
میهن ما را از قید امپریالیم رهائی بخشد و نفتتبار توسعه  
اقتصادی نی انجامد بلکه بوابستگی کشور به امپریالیم -  
افزاید و غارت و استثمار مردم میهن ما را تشدید میکند.  
نتیجه گریزناپذیر این سیاست تشدید روز افزون فتنسار و  
اختناق در درون کشور است.

تکلی دربار... بقره از صفحه ۴ مخالف رویه هند در قبال هشتاد هزار آمرسان جنگی بود و هست معذلسک روابط خود را با هند قطع نکرد و این امر هیچگونه احساس خصم را از جانب شوروی و اقتدار برهنه نگینت .

**وضع سفیر شیلی در یکن**

در مورد سفیر شیلی در یکن سخن زیاد رفته است. زمانی که کودتا آغاز شد او در یکن نبود چون در استانبول بود تا برای گذراندن تعطیلات به اروپا رفته بود و فقط سه هفته بعد بازگشت . در این فاصله زمانی حکومت نظامیان در سانتیاگو او را از مقام سفارت برداشته و یکی از دبیران سفارت را بعنوان کاردار تعیین کرده بود و خود همین کاردار شخصاً مراتب را بوزارت امور خارجه چین اطلاع داد . بر اساس واقعیت عینی ( نه تمایلات ذهنی ) سفیر دولت اتحاد توده ها دیگر نماینده دولتی که بر مسند قدرت نشسته باشد نبود این دولت دیگر وجود نداشت . مقام سفیر شیلی عنوانی نیست که چین به کسی تفویض کند . وظیفه انتصاب سفیر شیلی بر عهده چین نیست . چین به سفیر معزول پناهنده گی داد و به او پیشنهاد کرد که بتواند فعالیت های خود را دنبال کند . او تیز رفت و از این نظر گاهی متوجه چین نیست . سفیر دولت اتحاد توده ای پس از بازگشت به یکن که سه هفته پس از کودتای نظامی صورت گرفت ، بعنوان سفیر برای برگزای مجلس یاد بودی که میبایست سی روز پس از مرگ آئند ترتیب داده شود دعوتنامه هائی فرستاد . موضوع برگزاری مجلس یاد بود خصوصی ابتکار چین نبود. روزانه ساعت پیش از آغاز این مجلس وی از ارسال دعوتنامه ها بدون اینکه قبلاً با چین مشورتی بعمل آید ، سفیر به اداره تشریفات وزارت خارجه چین اعلام داشت که هرگاه چین مقام او را بعنوان سفیر شیلی برسمیت نشناسد مجلس یاد بود نمیتواند تشکیل شود . مقامات چینی به او بعنوان دوست چین امکان دادند که به تبلیغات دست زند برای آنکه این مجلس از طرف سازمانهای توده ای چین مورد پشتیبانی قرار گیرد . او تصمیم گرفت از برگزاری مجلس یاد بود صرف نظر کند ، اکنون این سؤال مطرح میشود : این مجلس یاد بود بخاطر چه کسی تشکیل میشود بخاطر آنستده یا بخاطر سفیر ؟

**مسئولیت روینویست های شیلی**

علی رقم تاثیر بزرگ بین المللی تاثیر کیه عوامل خارجی بر کودتای نظامی ، این کودتا قبل از همه از شیلی برخاسته است . سرکوب دامنه دار و موفقیت موفقی هجوم مرتجعین و امیر- پالیست ها به خلق و دستاورد های وی شرم فندان شده است . ایدئولوژیک و مادی وحتشکان است که خود بطور عمده معلول خط مشی سیاسی خائنانه ای است که جز طوق سلامت آمییز نی بیند . بیش از ده سال است که چین ضمن یک مباحثه بزرگ بین المللی این مشی ضد انقلابی ، روینویستی و خائنانه را افشا کرده است . روینویست ها که فقط به تذکر عوامل خارجی و مد اخلاقی خارجی می پردازند میکوشند مسئله داخلی را در برده بگذارند و بدین ترتیب مسئولیت خود را بپوشانند . آنها باید شکست خود و ماهیت خائنانه مشی سلامت آمییز خود را پنهان دارند . و علاوه آنها به ابتکار دست میزنند برای آنکه مانع شوند خلق شیلی نتیجه صحیحی از این تجربه دردناک بگیرد و نیز برای آنکه خلق های دیگر را بفریبند و فریبکاری خود را همچنان ادامه دهند . ام از آنکه این کودتا مصائب و مشقاتی برای آنها ببار آورد یا نبازد ، آنها خود معماران این کودتا هستند که با شعارهای مضمی خلق را به سستی و رخوت کشانیدند . مانع شدند که خلق بپردازد اشکال دیگر مبارزه بپردازد . شعارهای آنها : " ارتش شیلی قانونی ، تابع رئیس جمهور و دموکراتیک است ! " ، " ارتش و خلق است در لباس سربازی ! " ، " ای در موقع و حمله ارتش علیه کاح مسوندا شعار " جنگ داخلی براه نیندازید ! " شعارهای تسلیم طلبی و همکاری است که به تحکیم بازهم بیشتر دستکار تراجیحی کمک رسانید و این ایدئولوژی خلق را خلع سلاح کرد .

روینویست ها همچنین خلق را از لحاظ مادی خلع سلاح کردند بدین ترتیب که حق دفاع از خود را از او گرفتند ( دولت اتحاد توده ای به اتفاق آراء قانون نظارت بر اسلحه را تصویب کرد ) . روینویست ها اکنون میخواهند تمام مسئولیت را بگردن چپ های شیلی بیندازند ، کسانی که بگذارست

وظیفه خطیر ... بقره از صفحه ۴ خصائص حزب ، اعضا آن ، که علی الاصول در اکثریت خود باید از کارگران تشکیل شود همه کارگر نیستند ، افراد به شمار دیگری از طبقات و قشرهای خلق زن یابرد ، پیر یا جوان که نقش طبقه کارگر را و ایدئولوژی وی را در یافته و خود را در خدمت دفاع از منافع و آرمانهای این طبقه گذاشته اند نیز میتوانند در حزب شرکت جویند . بدین ترتیب کفد راسیون که حد اکثر چند ده هزار دانشجوی ایرانی را میتواند در بر بگیرد سازمانی توده ای است در حالی که حزب کونیست ولو آنکه صد ها هزار یا میلیونها نفر در آن عضویت یابند سازمان توده ای نیست و این خود یکی از وجوه تمایز حزب از سازمانهای توده ای است .

ما بارها متذکر شده ایم که کفد راسیون بمتابه سازمان توده ای میتواند و باید همه دانشجویانی را که بالقوه در صف مبارزه خلق های ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع قرار دارند - و اینها اکثریت عظیم دانشجویان را تشکیل میدهند - مورد رو خود جای دهد . شرکت توده دانشجو در کفد راسیون به مبارزه این سازمان نیروی برتر است . تا پیشتر مبارزه را بدرجات بالا میبرد . بهیچوجه نیست که رژیم ششاه این دشمن شماره ۱ کفد راسیون را هم در تلاش است در میان دانشجویان شتت ایجاد کند ، تفرقه بیفکند ، از مبارزه مشترک آنها جلوگیری . وظیفه کفد راسیون است که توده دانشجو روی آورد دانشجویان را از تاثیر تبلیغات ناسالم بیرون بکشد و امکان ندهد که شاه و سازمان امنیت آن در نیابت تفرقه افکنانه خود توفیق یابند . این مسئله همی است که رهبری و همه اعضای کفد راسیون شایسته است بدان توجه بسیار مبذول دارند و برای تحقق مسئله آن هرگز از پای نشینند و بایستی گوی آنرا دنبال کنند . زمانی بود که اندیشه جلب نسود و دانشجو به کفد راسیون در زمره سخنان مخالف بشمار میرفت و تبلیغ کنندگان آن به انواع انحرافات متهم میگرددند . اما

آزیز اعتقاد نداشتند کسانی که به نبرد پرداختند برای آنکه اعتماد بخود نهایتها به نیروی همه تلقی گردد ، کسانی که از دولت و ارتش درک طبقاتی نداشتند ، کسانی که به نیروی خود تکیه میکردند و نه به نیروی سوسیال امپریالیسم ، کسانی که برآنند که استقلال و انقلاب شیلی کار خلق شیلی است و شیلی تکه کوچکی نیست که مورد نزاع ابر قدرت ها واقع گردد ، کسانی که از خلق دعوت کردند تا برای مبارزه متشکل شود ، کسانی که در باره پارلمانتاریسم ، قانون اساسی و غیره پند راهی بخود راه نمیدادند ، کسانی که برای وحدت کارگران و دهقانان فعالیت کردند برای وحدت انقلابی زحمتکشان رژیمند .

**وحدت خلق شیلی**

روینویست ها لزوم نیل به برنامه ای که تمام مردم شیلی را در مبارزه علیه حکومت نظامیان متحد سازد تأکید کرده اند این نیاز و آرمان خلق شیلی است اما وحدت با کی برچه پایه ای ؟ برای چمنظوری ؟ ارتش که بر مسند قدرت نشسته با آنکه خود انعکاس بحران مجموعه رو بنای بورژوازی است ، روئانی که تمام جنبه های دموکراتیک دیکتاتوری را به دور انداخته است ، این ارتش بمعنی عسویت دادن استفاده از قهر و تحمیل یک سیستم از طرق تروریستی است . این معنی بکار بردن زور علیه خلق است . در برابر این نیرو باید نیروی مادی دیگری قرار داد و نه اینکه فقط از سلاح منطق استفاده کرد . وحدت مردم شیلی علیه وضع موجود باید در آخرین تحلیل حل مسئله را از راه اعمال قهر در نظر گیرد مبارزه مسلح باید مورد توجه قرار گیرد . روینویست ها حتی حالا هم با یی گیری از قبول این وجه سرباز میزنند . آنها هرگونه انتقاد به گذشته را طرد میکنند و میکوشند مسئولیت خود را زبر پرده بکشند . آنها به این پرده پوشی در مقیاس بین المللی نیازمندند . آنها مدعی اند که صحبت از گذشته در میان مردم شیلی تفرقه خواهد افکند . اگر چنین است پس خلق شیلی چگونه خواهد توانست از تجربه خود نتیجه لازمه را بیرون بکشد . درک صحیح این مرحله دشوار و دردناک وظیفه خلق شیلی و انقلابیون آنست . ایجاد مقاومت و تشکیل یک هسته رهبری برای این مقاومت و وظیفه خلق شیلی است . نظر از " اوپانیته نول " ارگان مرکزی حزب کونیست مارکسیست لنینیست فرانسه

امروز این اندیشه جای خود را باز کرده است بقسمی که حتی کنگره ۱۲ کفد راسیون نیز در یکی از قطعه نامه های خود جلب توده دانشجو را به سازمانهای دانشجویی و گسترش کفد راسیون را وظیفه سازدانی قرار داده است .

معدلتک دستانی پیوسته توجه خود را به خط حرکت سیاسی " کفد راسیون معطوف میدارند ؟ آنها در کفد راسیون به کیفیت جسمیده اند باین عنوان که جلب توده دانشجو کفد راسیون را بسوی تنزل سطح کیفی آن سوق خواهد داد . برخی از این دوستان بدرستی برآنند که نباید سطح کیفی کفد راسیون را تا سطح قشر عقب مانده جوانان تنزل داد ، بالعکس باید آگاهی این قشر را تا سطح کیفی کفد راسیون بالا برد . اما واقعیت اینست که طرف قریب یازده سال که از حیات کفد راسیون میگذرد ، برای بالا کشیدن توده دانشجو تلاش کافی صورت نگرفته است . همین اعتقاد که جلب قشر عقب مانده کیفیت کفد راسیون را تنزل خواهد داد دستانی را بر آن میدارند که توده دانشجو بی اهتاء بمانند و آنها راه حل خود رها کنند ، بدست تبلیغات و توطئه های دشمنان بسپارند . چنین برخوردی ، کفد راسیون را از توده دانشجو جدا میسازد و بصورت یک گروه ممدودی از افراد زنده و آگاه در میآورد و طبیعتاً با چنین وضعی کفد راسیون خصلست توده ای خود را از دست میدهد . اگر چنین نیست آنگاه باید قبول کرد که توده دانشجوی ایرانی گویا قادر به درک این موضوع نیست که باید همراه با خلق امپریالیسم کارگر را از زمین بیرون راند یازیم تروری اختناق را برانند اخت ، ما چنین اعتقاد می منعی نسبت به توده دانشجو نداریم . بنظر ما منشور کفد راسیون گویا است و مشی سیاسی کفد راسیون را شمسک میسازد . با همین منشور میتوان در میان توده دانشجو و بخاطر جلس آنان مبارزه کار را آغاز کرد . صحبت بر سر اینست که کسانی به جلب توده دانشجو اعتقاد ندارند و این عدم اعتقاد خود را در پشت " تنزل سطح کیفی کفد راسیون " می پوشانند .

کفد راسیون در کنگره ۱۲ مشی سیاسی خود را در منشور تعیین کرد . ولی هنوز مرکب آن خشک نشده تلاشیهای برای تغییر آن براه افتاد ، مبارزه ای در گرفت . عجب آنکه تغییر یا تغییرات پیشنهادی در اینجست سیر میکنند که از کفد راسیون که سازمانی توده ای است ، یک سازمان نیاسی ، یک سازمان " آوانگارد " بسازند . کفد راسیون در گذشته زعرض چنین تحولی قرار داشت ولی زیر آران نرفت ؟ اکنون نیز نباید بدان تن در دهد . سیر تکامل و رشد کفد راسیون در اینجست متضمن خطرانی برای موجودیت این سازمان است . کفد راسیون در حال حاضر در پشتیبانی از مبارزات خلق های ایران بخاطر آزادی و استقلال ، در افشا رژیم نکت بار و اسارت آور محمد رضاشاه نقش برجسته ای ایفا میکند . خاموش شدن صدای کفد راسیون در شرایط کنونی ضایعه بزرگی است و به زحمت میتوان تصور کرد که چیز دیگری بتواند جای آنرا بگیرد و همین نقش برجسته را بازی کند . ما بعلمت علاقه فراوان خود به کفد راسیون که از علاقه به خلق ایران نشاء میکند ، چنین سیر تکاملی را در گذشته برود شرمده و اکنون نیز میسازیم ما از همه دوستان انتظار داریم به عواقب چنین سیر تکاملی عمیقاً بیندیشند .

( ۱ ) این نگه را هم بیفزائیم که یک فرد بنابر خصوصیت خود و منافع و حقوقی که باید از آن دفاع کند میتواند در دو سازمان توده ای شرکت کند . زن کارگر بمتابه کارگر در اتحادیه های کارگری عضویت مییابد و بعنوان زن ، در سازمان زنان ، جوان کارگر و جوان دهقان هر دو در سازمان جوانان وارد میشوند اما جوان کارگر بمتابه کارگر عضو اتحادیه های کارگری است و بمتابه دهقان عضو سازمان دهقانی .

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY  
حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

**درویش شور و افتنخاربر زندانبان سیاسی**

وظیفه خلیفه

حفظ کنند راسیون

در زمانی که بحث پرشوری بازم در زمته "دقیقر - کردن" منشور کشف راسیون و بطور مشخص بر سر شعار "سرتکوتی رژیم شاه" در گرفته ، ما لازم میدانیم بنابر سنت همینک خود باز دیگر توجه را به بسیج نموده دانشجو و متفکران ساختن آنها در کشف راسیون جلب نمائیم . چون در درون کشف راسیون آنچه بیشتر - اگر تکویم منحصر - مورد توجه است . "خط حرکت سیاسی" و "دقیقر کردن" این خط حرکت است و برعکس موجودیت و وحدت کشف راسیون ، تجویز و بسیج نموده اند - جو برای نیروی خشییدن به مبارزه کثروند توجه قرار گرفت میگرد علی القاعده . همسازمان ، یکبار هدفها و مشی خود را طرح و پس از بحث تصویب میکند و آنگاه فعالیت خود را برای تحقق این هدفها و خط مشی شروع و دنبال مینماید . کشف راسیون سالهاست در تلاش "دقیقر کردن" خط حرکت سیاسی خویش است و هنوز به نتیجه نهائی نرسیده است و معلوم نیست این "دقیقر کردن" تاکی ادامه خواهد یافت و توده و دانشجوی کی از این سرگردانی بیرون خواهد آمد .

آنچه در وهله اول باید روشن ساخت اینست که آیساکوف کشف راسیون یک سازمان توده ای است یا یک سازمان سیاسی . تفاوت میان سازمان توده ای با سازمان سیاسی در این نیست که نخستین از مسائل سیاسی و مبارزه سیاسی برگراست و دومی فقط بکار مبارزه سیاسی می پردازد . البته میان مشی و شعارهای سیاسی سازمان توده ای و مشی و شعارهای سیاسی سازمان سیاسی تفاوتی است و سیاستی سخن بگوید یا سخن بپیوندد است . اما اساس اختلاف در اینست که سازمان توده ای آنچنان سازمانی است که میتواند نام یا اکثریت قریب به اتفاق توده های را که چنین سازمانی از آن او است در برگیرد ، چنانکه تمام طبقه کارگر میتواند و باید در اتحادیه های کارگری متشکل گردد و بخاطر دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی خویش مبارزه کند . در حالی که در حزب طبقه کارگر فقط بخش از این طبقه ، آتم بخش آگاه طبقه متشکل میگردد . حزب عالی ترین سازمان طبقه است درستی به این علت که محل تجمع بخش آگاه طبقه است و بخشی که با تئوری انقلابی مجهز است و آنرا پیوسته در برانگیختن انقلابی بکار میرود . چنین امری در توانایی تمام طبقه کارگر نیست نه تنها در جامعه طبقاتی بلکه حتی پس از انقسلاب پرولتاریائی .

سازمان توده ای فقط با معیار کمیت سنجیده نمیشود بلکه خصوصیت توده ای که در آن شرکت موجود نیز باید ملاک اعتبار قرارگیرد . در سازمان توده ای ، طبقه و قشر توده ای شرکت میکند در دارای حقوق و منافع صنفی و اجتماعی مشترکی میباشد و بخاطر تامین این حقوق و منافع مبارزه میکند . چنانکه کارگران در اتحادیه های کارگری متشکل میشوند برای آنکه بخاطر حقوق صنفی و اجتماعی خود که برای کلیه افراد طبقه کارگر یکسان است مبارزه کنند ، یا آنکه زنان که به طبقات و قشرهای گوناگونی تعلق دارند در سازمان زنان گرد می آیند تا بخاطر آزادی خود از قید اجتماعی کهنه مبارزه بپردازند . در اتحادیه های کارگری ، دهقانان جائی ندارند ، در سازمان زنان مردان و در سازمان جوانان کمونسالان شرکت نموجوینند و غیره (۱) . بدین ترتیب حزب سیاسی طبقه کارگر که دارای صدها هزار یا شاید طیونتها عضو است ، به این مفهوم سازمان توده ای نیست ، چون گذشته از

بقیه در صفحه ۳

زیب و زیور انسان بلشویک ضرور  
و خود پسندی نیست ، تواضع  
و فروتنی است ، استالین

ترجمه و تلخیص مقاله ای از شبلی

نکاتی درباره روابط جمهوری توده ای چین و شبلی

روابط میان شبلی و چین

گذشتند . بدین ترتیب تا امروزه ما مل بین المللی ناچیز اما عوامل ملی دارای اهمیت اساسی میباشند .

در شبلی فاشیسم دارای پایه اجتماعی است و مرتجعین مالکین ارضی ، بورژوازی کهرادور و غیره پایه فاشیسم اند این طبقات ارتجاعی متحد امپریالیسم و ارگانهای اساسی قدرت دولتی ، نیروهای مسلح ، قوه قضائی ، مقامات رهبری و نظارت و کنگره را در دست خود نگاه داشتند . قوه مجریه (در دست اتحاد تود مای) فقط بخش کوچکی از قدرت دولتی بود .

کودتا با دست ارتش و بقیه نیروهای مسلح شبلی آغاز شد . با آنکه بهر امریکا و اتحادیه های رابری اعلان فتنه ساز اقدام داشت و با وجود کمک و بهرلی که از جانب س.ی.ا و ای.ت.ت. و غیره داده شد (چیزی که در جرایب فعالیت امپریالیسم امریکا بخاطر تسلط بر شبلی و کمکنش های آن با سوسیال امپریالیسم میگذرد) افسران و سربازان شبلی آلت اجرای کودتا بودند (در درون نیروهای مسلح مخالف بودند نیز وجود داشت ولی آنها یا خفتی گردیدند و یا از همان آغاز کودتا صلاح خود را علیه دولت بکارانداختند) .

حکومت آینده سقوط کرد و از آن نه در داخل ونه بنیاده دولت مهاجر در خارج چیزی برجای نماند ، وزیرای دولت پاکتشد شدند یا دستگیر و یا پناهنده شدند .

چین حکومت نظامیان را بر سمیت نشانخته است و چین روابط دیپلماتیک خود را با شبلی قطع نکرده است (چین برش انتظار را برگزیده است) و کشورهای دیگر روشهای دیگری اتخاذ کرده اند : آلبانی با آنکه اعضای دیپلماتیک خود را فراخواند روابط دیپلماتیک خود را با شبلی قطع نکرده ، رومانی روابط خود را همچنان حفظ کرده است ، کامبوج (جیمبه) روابط خود را حفظ کرده است ، یا اتحاد شوروی و همچنین تمام کشورهای شرق) روابط خود را با نظامیسمار قطع کرد با آنکه بعد اعلام داشت که روابط او فقط منقطع شده است (لویونده) چین در شبلی نه سرمایه گردی دارد و نه منافقین کماز آن دفاع کند . جمهوری توده ای چین از همان زمان تأسیس خود ، اظهار تمایل کرد که با کلیه کشورهای که دارای سیستم های اجتماعی مختلف اند و حتی با دولت های که تا بید نمیکند روابط خود را حفظ نماید .

چین از این هم فراتر رفت و در نامه سرگشاده "چون لای" به آئند که در ژوئن ۱۹۷۳ انتشار یافت بر اساس تجویز "خویش یادآوری کرد که کشورها و خلق های که علیه امپریالیسم بخاطر استقلال و حاکمیت خود میروند باید بر نیروهای خویش تکیه زنند . این اصل برای انقلاب سوسیالیستی و ساختن سوسیالیسم نیز معتبر است . در بعضی حالات کمک بین المللی ضروری است ولی چنین کمکی میتواند فقط عاملی فریب باشد و نباید بروی آن حساب کرد . حقیقت اینست که بازم مسلم تر است اگر سخن بر سر کمکی باشد که از جانب ابرقدرت ها داده میشود .

کودتای شبلی نتیجه مداخله ایالات متحده بود . بطور عده این مداخله غیر مستقیم صورت گرفت . ارتش شبلی ذخیره استراتژیک امپریالیسم امریکا بود ؛ این ارتش توسط امریکائیت شده و بنیاده افزایش طبقه ارتجاعی توسط امریکا از لحاظ تکنیک و ایدئولوژیک مجهز گردیده بود . این امر از یکسو پیوندهای ارتش و رابطه ارتجاعی دولت و تابعیت آنرا از امپریالیسم امریکائیان میدهد و از سوی دیگر این پند ارواهی را بر مسلا میسازد که گویا میتوان همین افزار را در مبارزه علیه امپریالیسم ارتجاعی مورد استفاده قرار داد . بر خورد ریزین و پیوستن المللی به این موضوع بشمار معنی مغایر برخوردار چین است چنان هرگز به پند ارواهی دامن نزد و تا آنجا که در امکان اوربوت تجربه خاص خود و تجربه بین المللی را یاد آورنده ، تجربه ای که در این زمینه بسیار رضی است و راه انقلابی را که باید دنبال کرد ، نشان میدهد

چین در همین حال کمکنش و همدستی میان دوا برقد رت را برای استیلای برجبهان و تقسیم مجدد جهان میان خود سرد افشا کرد . کودتای شبلی باید از این دیدگاه مورد تحلیل واقع شود . شوروی با احتیاط نفوذ خود را در شبلی آغاز کرد ( سرمایه )

گذاری در معادن بد رمایه گیری (و غیره) و با استفاده از شبلی نفوذ خود را در کشورهای پیمان آتسد آغاز نمود . سیاست ماجراجویانه سوسیال امپریالیست ها " کمک " های آنها ، مداخلات آنها بمظهور استقرار سلطه خویش و بندوست های آنها با امپریالیسم امریکا ( مانند بحرمان دریای کارائیب در گذشته و بحرمان خاورمیانه امروز ) و سیاست های ماجراجویانه ریزین و پیوستن مللی در زمینه های اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی و همچنین فعالیت های این ریزین و پیوستن بنیاده لال نفوذ سوسیال امپریالیسم ، اینها همه تأثیرات منفی خود را برجای

چین در معادن در رمایه گیری (و غیره) و با استفاده از شبلی نفوذ خود را در کشورهای پیمان آتسد آغاز نمود . سیاست ماجراجویانه سوسیال امپریالیست ها " کمک " های آنها ، مداخلات آنها بمظهور استقرار سلطه خویش و بندوست های آنها با امپریالیسم امریکا ( مانند بحرمان دریای کارائیب در گذشته و بحرمان خاورمیانه امروز ) و سیاست های ماجراجویانه ریزین و پیوستن مللی در زمینه های اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی و همچنین فعالیت های این ریزین و پیوستن بنیاده لال نفوذ سوسیال امپریالیسم ، اینها همه تأثیرات منفی خود را برجای

رژیم شاه در جنگ علیه خلق ظفار گوی خود را میگذارد